نام مقاله: كتاب و كتابت در قرون اوليه اسلام

نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)

شماره نشريه: 3 \_ شماره سوم، جلد 1

پديدآور: غلامرضا قلندريان

مترجم:

چكيده:

كتاب و كتابخانه سنگ زيربناي فرهنگ و تمدن اسلامي است با طلوع خوشيد اسلام در سرزمين حجاز، قرآن مجيد بر پيامبر عظيم‌الشأن اسلام نازل شد و نخستين پيام آن سرآغاز وحي مي‌باشد امر به خواندن و نوشتن بود. قرآن در آيات مختلف خود را كتاب مي‌نامد كه از طريق وحي بر حضرت محمد(ص) نازل شده است و در چندين سوره كلمه صحف نيز به همين معنا به كار رفته است. مسلمانان صدر اسلام قبل از تأليف هر كتابي با تحرير، قراءت و نگارش قرآن مجيد سروكار داشتند و نويسندگي را با ثبت كلمات نوراني آيات قرآن آغاز كردند. از مجموع روايات تاريخي استفاده مي‌شود كه از ميان نويسندگان، حضرت علي(ع) بيشتر از ديگران در امر كتابت و گردآوري آيات قرآن دخالت داشتند.

يكي از حوادث مهم كه در پيشرفت و آموزش و نويسندگي مسلمانان تحول شگرفي را بوجود آورد آشناشدن آنان با فن كاغذسازي بود. نخستين كتاب كاغذي در سال 870 ميلادي به منصة ظهور رسيد. يكي از مهمترين فعاليتهاي ادبي در جامعة اسلامي پيدايش حرفة ورّاقي بود اين حرفه پس از آشنايي مسلمانان با آن ورود فن كاغذسازي به جهان اسلام شروع شد. در قرن اول اسلام برخي از علوم يوناني، سرياني و ايراني و عربي ترجمه شد و اين ترجمه‌ها گاهي توسط دانشمنداني كه تحت حكومت اسلامي مي‌زيستند صورت مي‌گرفت همزمان با نهضت ترجمه كار تأليف و تدوين علوم اسلامي نيز رونق گرفت و در مدت كوتاهي تأليفات علمي در موضوعهاي معارف اسلامي فراهم آمد. رشد روزافزون ترجمه و تأليف زمينة پيدايش كتابخانه‌هاي كوچك و بزرگ را در عالم اسلام مهيا نمود و كتابخانه‌هاي مهمي در بغداد، قاهره، اسپانيا، طرابلس، شام و مراغه تأسيس گرديد.

هُوَ الَّذي بَعَثِ فِيِ الأميّينَ رَسُولاً مِنهُم يَلّوا عَلَيْهِم آياتِهِ وَ يزَكيهُم و يُعَلِمُهُم الكِتابَ وَالحكمَة وَ اِن كانُوا مِن قَبْل لَفيِ ظِلالٍ مُبين

(جمعه آيه 2)

اوست خدايي كه ميان عرب امي پيغمبري بزرگوار از همان مردم برانگيخت تا بر آنان آيات وحي خدا را تلاوت كند و آنها را از لوث جهل و اخلاق زشت پاك سازد و شريعت كتاب و حكمت الهي بياموزد با آنكه پيش از اين همه در ورطة جهالت و گمراهي بودند.

كتاب در قرآن از اهميت خاصي برخوردار است و خداوند متعال در آية شريفة فوق مي‌فرمايد پيامبر از ميان مردم امّي و درس‌نخوانده برانگيخته شد تاآيات خدا را بر آنان بخواند و جان انسانها را پاك گردانيده و كتاب و حكمت به آنان بياموزد.

پيامبر اكرم در حديثي ميفرمايند قَيّدُوا العِلمَ بالكتابة يعني علم و دانش را با نوشته‌هاي خود كه به صورت كتاب در مي‌آيد به بند كشيد، يعني دانش را به وسيلة كتاب و كتابخانه نگهداري كنيد. (كليني، 1366)

بشر در ابتدايي‌ترين دوره‌هاي تحول اجتماعي خويش از زماني كه احساس نياز به جمع‌آوري اخبار و علوم و تدوين آن كرده است به نوشتن و باقي گذاردن آن همت گماشته است. اعراب پيش از اسلام به علت بي‌خبري از علم و دانش و اطلاع‌ نداشتند از فعاليتهاي علمي و فرهنگي جهان خارج، بهره‌اي از كتاب و خواندن نداشتند و تا زمان ظهور اسلام اين روحيه را حفظ كرده بودند تا اينكه خورشيد اسلام در سرزمين حجاز پرتوافكن شد و قرآن اين منبع پرفيض الهي بر پيامبر اكرم (ص) نازل شد و نخستين پيام آسماني خويش را با امر به خواندن آغاز كرد.

سوره علق كه نخستين پيام وحي از جانب پروردگار عالميان به حضرت محمد (ص) است، با كلمة اقرأ (بخوان) آغاز مي‌گردد، خداوند در آيات آغازين اين سوره از خواندن و نوشتن و علم سخن گفته است.

اِقرَأ بِاسمِ ربّكَ الَذي خَلَق، خَلَقَ الاِنسانَ مِن عَلَق. اِقرَأ وَ رَبُّكَ الاَكرَم. الَّذي عَلَّمَ بالقَلَم. عَلَّمَ الاِنسانَ مالَم يَعلَم.

اي پيامبر بخوان به نام پروردگارت كه آفريننده است. آن خدايي كه آدمي از خون بسته بيافريد. بخوان و خداي تو كريمترين كريمان است آن خدايي كه بشر را نوشته به قلم آموخت و به انسان آنچه را نميدانست تعليم داد.

با دقت در آيات فوق پيشگامي قرآن در تأكيد بر اهميت و ارزش خواندن، نوشتن و علم نمايان مي‌شود، خصوصاً اگر بدانيم كه اين آيات سرآغاز وحي الهي است و خداوند، از همان ابتداي بعثت پيامبر (ص) را مأمور به خواند و دعوت انسانها به فراگيري دانش و كتابت آن با قلم كرده است. (علق، آيه 1-5)

تاريخ گواهي مي‌دهد كه اعراب دورة قبل از اسلام، در داخل و خارج از ملكه از وسايل مختلفي براي نگارش استفاده مي‌كردند. معمولي‌ترين اين وسايل عبارت بود از: پوست، لوحه‌هاي سنگي، برگ خرما، كاغذ و پاپيروس و لوحه‌هاي استخواني كه از حيواناتي مانند: گوسفند و شتر بدست مي‌آيد. «ابن نديم» نويسندة معروف كتاب «الفهرست» مي‌نويسد كه اعراب دوره جاهليت كاملاً با خط حبشي آشنايي داشتند و با خط و نگارش طوايف «سبا» و «حمير» نيز آشنا بودند. استفاده از وسايل نگارشي مذكور تا دورة اسلام ادامه پيدا كرد، آيات آسماني كه در زمانهاي مختلف بر پيامبر نازل مي‌شد بر روي كاغذ پاپيروس، پوست خرما، لوحة استخواني و غيره نوشته مي‌شد. علاوه بر نگارش قرآن كريم، پيامبر اكرم (ص) افرادي را براي نگارش و ثبت اسناد و مدارك رسمي كه به حكومت و ادارة دولت مربوط بودند استخدام كرده بود. (السباعي، 1373) در تاريخ آمده است مقارن ظهور اسلام هفده نفر از مردان قريش ودو نفر از همان قبيله كه يكي «حفصه» دختر عمو و همسر پيامبر اكرم (ص) است با خواندن و نوشتن آشنا بودند. در مدينه نيز به وسيلة قوم يهود خط‌نويسي پديد آمد. پس از گسترش اسلام و با تشويق پيامبر اكرم (ص) دامنة آموزش خط در ميان اصحاب توسعه يافت و تعداد قابل‌توجهي از مسلمانان صدر اسلام به خط نوشتن آشنا شدند جمعي از اين افراد وحي‌نويسان و يا نامه‌نگاران پيامبر بودند و حتي بعضي علاوه بر وظيفه محوله، قرآنهايي براي خود نگاشته و تدوين نموده بودند كه از آن جمله حضرت علي بن ابي‌طالب (ع) است. (مدير شانه‌چي، 1374)

با گسترش اسلام در مصر، بين‌النهرين، ايران و سرزمينهاي ديگر اوضاع بسيار تفاوت كرد. مواد قديمي و جديد براي نوشتن فراوان شد و كاملاً در دسترس قرار گرفت. مهمترين حادثه‌اي كه در پيشرفت آموزش و نويسندگي مسلمانان، انقلابي به وجود آورد آشنا شدن مسلمان با فن كاغذسازي بود (السباعي، 1373). اشاره‌ها و نشانه‌ها حكايت از آن دارد كه نخستين كاغذساز چيني مردي بنام «تساي لون» بوده است، وي حدود سال 105 ميلادي از پوست درخت و كنف توانست ابتكاري به خرج دهد و كاغذ تهيه كند. تساي لون پوست درخت توت را مدتي در آب خيس مي‌كرد بعد روي تختة سنگي با قطعه چوبي ضربه مي‌زد تا رشته‌هاي آن از هم جدا شود. سپس آنها را شستشو داده و خشك مي‌كرد و الياف خشك شده را در سه لايه متقاطع مي‌‌گذاشت و با ماده‌اي چسبيده آنها را به هم مي‌چسباند و زير فشار قرار مي‌داد پس از خشك شدن اين نوع كاغذ ابتدايي آماده مي‌شد. (صافي، 1362). در اواسط قرن هفتم ميلادي اعراب با ايران به جنگ پرداختند و تا تركستان پيش رفتند. در سمرقند كاغذي ديدند كه تا آن زمان از آن بي‌اطلاع بودند. سمرقند راه تجارتي قديم را به سرزمينهاي چين مرتبط مي‌ساخت. از اين طريق اختراع كاغذ چيني به ايران راه يافت و ديري نگذشت كه صنعت كاغذ در ممالك اسلامي رواج يافت تا آنجا كه در قرن هشتم در زمان هارون‌الرشيد كارخانه‌هاي كاغذسازي در بغداد و سرزمينهاي عربي ايجاد شد. (دال، 1372).

در جهان اسلام كاغذ بلافاصله به حيات پوست به عنوان ماده‌اي نوشتاري پايان نداد. چرا كه از پوست تا مدتي براي نگارش قرآن استفاده مي‌شد. بعنوان مثال: در بغداد كه بزرگترين كانون توليد كتاب در جهان آن روز اسلام بود نخستين كتاب كاغذي تنها در سال 870 ميلادي به منصة ظهور رسيد. رقابت ميان كاغذ پاپيروس و كاغذ جديد تا سده‌هاي دوازده و سيزده ميلادي ادامه يافت و سرانجام كاغذ جديد رواج يافت و به كاربرد پاپيروس به عنوان ماده نگارش پايان داد. (استيچويج، 1373)

مسلمانان با آشنا شدن به صنعت كاغذسازي به زودي به ارزش، تأثير و اهميت آن پي بردند، با ارزان شدن قيمت و فراوان شدن مقدار كاغذ، اين وسيله يكي از مصارف روزمرة خانواده‌ها شد. مي‌گويند كاغذسازي چنان توسعه يافت كه «جعفربن يحيي» وزير عباسي، توانست در اماكن دولتي كاغذ را جانشين پوست كند. از بين رفتن پاپيروس و جايگزين شدن كاغذ به جاي آن به صورت جالبي در نامة يك نفر مصري كه در قرن نهم ميلادي نوشته شده است ديده مي‌شود، نويسنده نامة خود را با عذرخواهي از پاپيروس تمام كرده و مي‌نويسد: «عفو بفرمائيد كه بر پاپيروس نوشته شده است». ارزاني نسبي كاغذ چنان تقاضاي زيادي براي اين وسيله فراهم آورد كه در اكثر جوامع اسلامي كارخانه‌هاي كاغذسازي برپا شد. بعلاوه مسلمانان به علت فقدان بعضي از مواد اوليه‌اي كه از طرف مصري‌ها مورد استفاده قرار مي‌گرفت مجبور شدند از پنبه و پنير براي ساختن كاغذ استفاده كنند درواقع مسلمانان نه تنها ساختن كاغذ را به اروپاييان ياد دادند بلكه كشت پنبه را نيز به آنها آموختند. يك تحقيق جالب لغت‌شناسي در اين مورد نشان مي‌دهد كه كلمة اسپانيايي “algeldon” كلمه فرانسوي “cotton” و لغت انگليسي “cotton” همگي از كلمة عربي كتاب مشتق شده‌اند (السباعي، ص 100).

مستندات تاريخي حاكي است كه كاغذ بدان مقدار كه بر پيشرفت دانش و نويسندگي مسلمانان تأثير گذاشت در هيچ ناحية ديگري تأثيرگذار نبود. در حقيقت هنگامي كه اروپا اندك‌اندك با كاغذ آشنا شد جهان اسلام كه تقريباً منبع مواد كتابت نامحدودي را در اختيار داشت توانست فرهنگ علمي و ادبي مهمي را بيافريند. يكي از اولين شاخه‌هاي بسيار مهم خيزش ادبي در جامعة اسلامي پيدايش حرفة جديد وراقي بود. وراق كه معمولاً مرد بود عمدتاً به تجارت كاغذ مي‌پرداخت و گاهي دستنوشته‌هايي را استنساخ مي‌كرد و به مشتريان خود مي‌فروخت اين حرفه پس از آشنايي مسلمانان با آن و ورود فن كاغذسازي به جهان اسلام شروع شد احتمالاً بغداد اولين شهر عمده‌اي بود كه مغازه‌هاي كاغذفروشي در آن بوجود آمد.

«ياقوت حموي» كه از دانشمندان معروف مسلمان در قرن نهم ميلادي بود بيش از سد مغازة كاغذفروشي را در شهر «وداء» در حومة بغداد شمرده بود. بيشتر وراقان نه تنها به سبب دانش خود بلكه به علت كوشش و زحمات مداوم در استنساخ بهترين كتاب‌ها و قراردادن آنها در دست مردم به بهاي منصفانه از اعتبار زيادي برخوردار بودند كتابفروشها و شاگردان آنها به نقاط دوردست سفر مي‌‌كردند تا نسخه‌هاي كمياب را بدست آورند و رونويسي كنند و به علاقه‌مندان جمع‌آوري اين نسخه‌ها بفروشند لذا جاي تعجب نيست كه مغازه‌هاي كتابفروشي كانوني براي دانشجويان و دانش‌پژوهان شده بود درواقع براي اغلب دانشمندان اين كار معمول شده بود كه ساعتهاي طولاني را به بررسي گلچيني از مطالب مطالعه كتابهاي موجود و يا به خريد كتاب براي كتابخانة شخصي خود صرف كنند. نويسنده مشهور مسلمان (متوفي سال 255 ه‍ .ق) به خاطر اينكه بتواند تمام شب در كتابفروشي‌ بماند و مطالعه و نسخه‌برداري كند به صاحب كتابفروشي پول پرداخت مي‌كرد. دلايل بسياري وجود دارد كه وراقان و كتابفروشيهاي آنان تأثير فكري عظيمي بر جوامع خود داشتند. كتابفروشيها بر اثر رونق مادي، اشتياق مردم به دانش‌اندوزي و فراواني منابع مواد لازم بر اين نوشتن، در كنار ديگر مراكز آموزشي در هدايت جامعة اسلامي به سوي دوره‌اي كه معمولاً «عصر طلايي اسلام» ناميده مي‌شد نقش اساسي داشتند. تكثير و استنساخ و انتشار سريع كتابها به دست وراقان بهترين معيار داوري دربارة خدمت گرانقدري است كه حرفة ورّاقي به علم آموختن و نويسندگي مسلمانان كرده است.

در اوايل اسلام، كتابها به صورت اوراق جدا از هم و يا به صورت نامه‌ها و اسناد بود و براي همه اين واقعيت مسلم است كه پيامبر و پيروان او از وجود كتاب كاملاً آگاهي داشتند علاوه بر اين ظاهراً مسلمانان دريافته بودند كه معني اصلي كتاب همان معني رايج آن يعني مجموعه‌اي از نوشته‌هاي نسبتاً طولاني بر روي اوراق است. اين ديدگاه با اعتقاد قوي مسلمانان مبني بر اينكه قرآن و كتابهاي مقدس پيش از آن، كتاب يا وحي الهي هستند كه مؤلفان معمولي با هدف كاملاً معيني آنها را جمع‌آوري مي‌كنند، سازگاري دارد. (السباعي، ص 70).

بايد توجه داشت كه قرآن در آيات مختلف، خود را كتاب مي‌نامد كه از طريق وحي بر حضرت محمد (ص) نازل شده است و در چندين سوره ديگر كلمة صحف نيز به همين معني در اشارت به قرآن به كار رفته است همين موضوع دربارة تورات و انجيل نيز مصداق دارد و در جاهاي مختلف، قرآن كتاب يا صحيفه خوانده شده است. قرآن در بسياري از آيات، يهوديان و مسيحيان را اهل كتاب خطاب مي‌كند (آل عمران، عبس، بقره، مائده). واژه كتاب علاوه بر معناي رايج خود، معاني ديگري نيز دارد اين كلمه در مورد مراسلات از قبيل نامه يا پيام مكتوب به كار مي‌رود كه ممكن است شامل يك يا چند صفحه، ورق يا غير آن باشد. اما به بياني دقيقتر از كلمه بارها در مورد وصيت، امر يا قانون به كار رفته و تمامي معاني اين واژه در زبان عربي كاملاً جاي گرفته و در قرآن نيز بكار رفته است. در سوره نمل مي‌خوانيم: «هنگامي كه سليمان از اعمال شرك‌آمير پادشاهي سبا آگاهي يافت چنان خشمگين شد كه كتابي (پيامي مكتوب) به بلقيس، ملكة سبا، فرستاد و او و مردمش را به پرستش خداي يگانه فراخواند». (نمل، آيات 28-31).

مسلمان صدر اسلام قبل از هر كتاب ديگر با تحرير قراءت و نگارش قرآن مجيد سروكار داشتند و نويسندگي را با نگارش و ثبت كلمات نوراني آيات قرآن آغاز كردند. صاحب كتاب الفهرست گردآورندگان قرآن را در زمان حيات رسول اكرم (ص) بدين ترتيب معرفي مي‌كند: 1- علي‌بن ابيطالب 2- سعدبن عبيد 3- ابوالدرداء 4- معاذبن جبل 5- ابو زيد 6- اُبي بن كعب.

آنچه از مجموع روايات تاريخي استفاده مي‌شود از ميان نويسندگان فوق تعدادي همواره در التزام سفر و حضرت رسول گرامي اسلام قرار داشتند كه در درجة اول حضرت علي (ع) بيش از ديگران در كتابت و گردآوري آيات قرآن دخالت داشتند. (عقيقي بخشايشي، 1356)

نخستين كتابي كه در علم حديث تأليف و جمع‌آوري گرديد، نوشته‌اي بود كه با املاي رسول خدا(ص) و خط حضرت علي بن ابي‌طالب صورت گرفت پس از آن حضرت، ابو رافع خدمتگزار پيامبر اسلام كتاب «السنن و الاحكام و القضايا» را تأليف و جمع‌آوري كرد. حاجي خليفه صاحب كشف الظنون در سرآغاز تأليف خود جايي كه از نخستين كتابت در اسلام بحث مي‌‌كند چنين آورده است: «دربارة نخستين تأليفي كه در جهان اسلام صورت گرفته است وحدت نظر وجود ندارد، عده‌اي عقيده دارند كه عبدالملك بن عبدالعزيز معروف به «ابن جريح بصري» متوفاي 155 ه‍ نخستين شخصي است كه در حجاز كتاب حديق نوشته است و برخي ربيع بن صبيح متوفاي 160 ه‍ و عده‌اي زيد بن ثابت و جمعي مريب خدمتگزار ابن عباس را معرفي كرده‌اند». (عقيقي بخشايشي، ص 2 و 81)

«ثقةالاسلام تبريزي» صاحب كتاب «مرآت الكتب» گفته است اولين كتابي كه در اسلام تصنيف شده است كتاب علي(ع) كه بنابر استفاده اخبار به املاي شخص رسول خدا (ص) و به خط علي(ع) بوده است. ابن نديم، «كتاب سليم بن قيس» متوفاي سال 90 هجري را اولين كتاب شيعه مي‌داند و قاضي بدرالدين سبكي هم در كتاب «محاسن الرسايل في عدد الاوايل» مي‌گويد: «اولين كتابي كه براي شيعه نوشته شده است كتاب سليم بن قيس هلالي است». (فدايي عراقي، 1369).

با پيدايش و ظهور سلسله بني‌اميه در دمشق ادبيات منثور و علاقة واقعي به نگارش و جمع‌آوري كتاب در جامعة اسلامي پديدار شد. كمبود آثار ادبي به جاي مانده از اين دوره به سبب استفادة عمومي از پاپيروس است. و اين ماده چنان كم‌دوام بود كه نمي‌توانست در برابر تغييرات آب و هوايي اين سرزمين مقاومت كند دليل مهم ديگر، تلاشهاي بي‌وقفة عباسيان در جهت نابودي و محو بسياري از آثار مكتوب گذشتگان خود است (السباعي، ص 74).

اولين نشانة بيداري ادبي، تأكيد مسلمانان بر كسب تواناييهاي اساسي خواندن و نوشتن بود. يكي از مورخان مي‌نويسد: «و به نظر مي‌رسد كه تحصيلات مقدماتي در اسلام در اوايل دورة اموي كاملاً بنانهاده شده بود». درواقع در متون آن عصر آنقدر به معلم (مدرس عمومي) و مودّب (مدرس خصوصي) اشاره شده است كه مي‌توان نتيجه گرفت كه چنين مشاغلي در بيشتر جوامع اسلامي كاملاً رايج بوده است. «ضيف» در بررسي خود پيرامون دست‌آورد‌هاي ادبي عصر اموي نام چند تن از اين معلمان را ذكر مي‌كند كه يكي از آنها والي معروف، حجاج بن يوسف ثقفي است كه كار معلمي خود را در شهر طايف آغاز كرد. مسلمانان به همان اندازه كه به نشر و ترويج سواد علاقه داشتند به جمع‌آوري، مطالعه و ثبت شعر پيش از اسلام و شعر معاصر خود نيز علاقه نشان مي‌دادند، مسلمانان از شاعران خود نيز با تمام توان پشتيباني مي‌كردند. كه مهمترين شاعران آن دوران: فرزدق، جرير، اخطل، نابغه، كميّت بودند. (ضيف، 1963م).

در قرن اول اسلام برخي از علوم يوناني و سرياني و ايراني به عربي ترجمه گرديد. اين ترجمه‌ها گاهي به وسيله مسلمانان و گاهي توسط دانشمنداني كه تحت حكومت اسلام مي‌زيستند صورت مي‌گرفت (عقيقي بخشايشي، 1356). همراه با نهضت ترجمه، كار تأليف علوم اسلامي نيز رونق بسيار گرفت، چنانكه در مدت كوتاهي تأليفات فراوان و مهمي در تمامي زمينه‌هاي معارف اسلامي فراهم گرديد. رشد روزافزون ترجمه و تأليف و انتقال مجموعة كتابهاي به غنيمت گرفته‌شده از سرزمينهاي فتح شده به جهان اسلام موجب ازدياد كتاب در شهرهاي اسلامي و سبب پيدايش كتابخانه‌هاي كوچك و بزرگ در عالم اسلام گرديد. مهمترين و معروفترين كتابخانه‌هايي كه در قرون اوليه در جهان اسلام ايجاد شد و شهرت جهاني يافت عبارتند از:

1-كتابخانه بيت‌الحكمه در بغداد كه اساس آن را هارون‌الرشيد ريخت تاريخ تأسيس آن را در بين سالهاي 170-193 هجري اعلام نموده‌اند، اين كتابخانه در زمان مأمون به اوج شهرت خود رسيد و شمار كتابهاي آن بسيار زياد بود و تا چند قرن رونق فراواني داشت تا اينكه در سال 656 هجري در حمله مغولان به بغداد كتابخانه ويران گرديد و كتابهاي آن يا به آب ريخته شد يا به غارت رفت.

2-دارالعلم شاپور بن اردشير كه در سال 382 هجري در محلة كرخ بغداد تشكيل شد و مجموع كتابهاي آن را بين 10000 تا 10400 جلد نوشته‌اند.

3-دارالحكمه (دارالعلم) قاهره كه در سال حدود 395 هجري توسط خلفاي فاطمي پايه‌گذاري شد و تا سال 513 هجري داير بود و شهرت و رواج فراواني در تاريخ اسلام كسب كرد اين كتابخانه نزديك به 1600000 جلد كتاب داشت. (رفيعي، 1374)

4-دارالحكمه (خزانة الحكمة، دارالعلم) قرطبه واقع در اسپانيا. اين كتابخانه در سالهاي 300 تا 350 هجري به وسيلة عبدالرحمن سوم، ملقب به الناصر، از خلفاي اموي اندلس پايه‌گذاري شد و در دورة حكم بن عبدالرحمن ملقب به المستنصر اموي به اوج شهرت رسيد، تعداد كتابهاي آن كتابخانه را بالغ بر 600000 جلد تخمين زده‌اند و فهرست كتابهاي موجود آن كتابخانه به 44 جلد رسيده است، اين كتابخانه داراي 500 نفر كارمند، كتابدار و مشاور خريد بوده است. مشاوران خريد به نقاط مختلف جهان در شرق و غرب مسافرت مي‌كردند و براي كتابخانه كتاب تهيه مي‌نمودند. (مدير شانه‌چي، ص 6 و 75)

5-كتابخانه خاندان بنوعمار در طرابلس شام. انگيزه تأسيس اين كتابخانه براي ترويج مذهب تشيع بوده است اين كتابخانه داراي 300000 جلد كتاب بوده و كارمندان زيادي داشته است كه برخي از آنها در آنجا سكونت داشته‌اند كتابخانه مذكور در سال 502 هجري تأسيس شد و 30 سال بعد از تأسيس در حملة صليبيان توسط سربازان صليبي به آتش كشيده شد و قسمت مصاحف و تفاسير كتابخانه كه بيش از 50000 جلد بود در آتش نابود گرديد و قسمت ديگر را صليبيان تا جايي كه مي‌توانستند به غارت بردند و آنچه باقي ماند به بيت‌الحكمة بغداد منتقل گرديد (رفيعي، ص 41)

6-كتابخانة رصدخانه مراغه اين كتابخانه در سال 657 هجري توسط خواجه نصيرالدين طوسي وزير هلاكوخان در بغداد تأسيس شد مجموعه مهم كتابخانه شامل كتابهاي بغداد و شام، جزيره، موصل، الموت، سمرقند، بخارا و ... بود و علاوه بر منابع اسلامي داراي مجموعه‌هاي ارزشمندي از ذخاير علمي به زبانهاي چيني و مغولي، سانسكريت و آشوري بوده است.

تعداد كتابهاي اين كتابخانه 400000 جلد اعلام شده است، كتابخانه مذكور تا سال 736 هجري وجود داشته است. اما پس از آن تاريخ از سرنوشت بعدي آن اطلاعي دردست نيست و احتمالاً به مرور زمان كتابهاي آن به تاراج رفته است (جواهرالكلام، 1311).

منابع

- استيچويج، الكساندر. كتاب در پويه تاريخ: ترجمه حميدرضا آژير و حميدرضا شيخي، مشهد: بنياد پژوهشهاي اسلامي آستان قدس رضوي، 1373، ص 275.

- السباعي، محمد مكي. تاريخ كتابخانه‌هاي مساجد. ترجمه محمد عباسپور و محمد جواد مهدوي، مشهد، بنياد پژوهشهاي اسلامي، 1373، ص 70-68.

- السباعي، محمد مكي. نقش كتابخانه‌هاي مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامي. ترجمه علي شكويي، تهران: سازمان مدارك فرهنگ انقلاب اسلامي، 1373، ص 6-95.

- جواهرالكلام، عبدالعزيز. كتاب‌نامه‌هاي ايران. تهرانك چاپخانه فردوسي، 1311، ص 4 و 33.

- دال، سوند. تاريخ كتاب از كهنترين دوران تا عصر حاضر. ترجمه محمدعلي خاكساري، مشهد: بنياد پژوهشهاي اسلامي آستان قدس رضوي، 1372، ص 80.

- رفيعي، علي. درآمدي بر دائرةالمعارف كتابنامه‌هاي جهان. زير نظر سيد محمود مرعشي و علي رفيعي. قم: كتابخانه عمومي آيت‌الله مرعشي نجفي، 1374، ص 41.

- صافي، قاسم. از چاپ سپاري تا كتابخواني. تهران: انتشارات دانشگاه، 1362، ص 95 و105.

- ضيف، شوقي. تاريخ الأدب العربي. ج 2، قاهره، دارالمعارف بمصر، ص 201.

- عقيقي بخشايشي. زيربناي تمدن و علوم اسلامي. قم: چاپخانه مهر، 1356، ص 6-75.

- فدايي عراقي، غلامرضا. نخستين كتاب و كتابخانه در تاريخ اسلام. مجلة كيهان انديشه، شماره 31، ص 139.

- قرآن مجيد.

- كليني، محمد بن يعقوب. اصول كافي. ج1 باب 17، حديث 10، تهران: المكتبه الاسلاميه.

مديرشانه‌چي، كاظم. كتاب و كتابخانه در اسلام. مشهد: بنياد پژوهشهاي اسلامي آستان قدس رضوي، 1374، ص 66.